ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
سه شنبه • ۲۳ فروردین ۱۴۰۱
۱۰ رمضان ۱۴۴۳ • ۱۲ آوریل ۲۰۲۲
شماره ۲۰۹۱۲
۲۱۳۲

روی خوش جهان به خانه‌های نقلی

چه شد که سلیقه مردم جهان و چهره‌هایی سرشناس همچون «ایلان ماسک» به سمت خانه‌های مینیمالی و بند انگشتی رفت

اکرم انتصاری | روزنامه‌نگار

پرونده

زندگی در خانه‌های کوچک به تازگی به یک جنبش پرطرفدار در دنیا تبدیل شده است. آن هم در زمانی که بیشترمان از متراژ خانه خود شکایت داریم و معتقدیم اتاق‌مان جواب گو نیست، کمدها کم است، آشپزخانه به اندازه کافی بزرگ نیست و... قرار نیست خانه‌های خیلی کوچک را در مقابل خانه‌های بزرگ قرار دهیم یا زندگی در خانه‌های بزرگ را اشتباه بدانیم. برای همین بهتر است قبل از شروع تعریف مشخصی از خانه کوچک داشته باشیم. برای ساخت این خانه‌ها از مصالح کمتری استفاده می‌شود، سازگار با محیط زیست است و قابلیت نصب پنل خورشیدی و استفاده از انرژی باد را دارد. فضاهای لازم برای زندگی در آن به درستی طراحی شده است و بعضی از این خانه‌ها قابلیت جابه‌جایی دارد. اگر چه این خانه‌های نقلی مساحت کمی دارد اما جانمایی این واحدهای مسکونی در دل شهر و نزدیکی به مراکز علمی و شغلی باعث شده محبوبیت زیادی در میان قشر جوان و شاغل داشته باشند. بعضی گرایش مردم دنیا به خانه‌های نقلی را در ادامه جنبش مینیمالیسم که بر پایه سادگی بنا شده است، می‌دانند. خانه‌های میکرو معمولا به اندازه فعالیت‌های زیستی فرد ساخته می‌شوند، نسبت به حجم کوچک‌شان از شیشه زیادی در آن استفاده می‌شود، معماری داخلی آن آپدیت شده و خلاقانه است و به همین دلیل نسبت به دیگر خانه‌ها برای فرد محبوب‌تر است شاید محبوب‌تر و زیباتر از یک واحد بزرگ و لوکس آپارتمانی!

معرفی می‌کنم: میکروخانه!

متراژ دقیقی برای این که یک خانه در دسته‌بندی خانه‌های کوچک قرار بگیرد، مشخص نشده است. بعضی خانه‌های ۱۲ تا ۳۲ متری را میکرو آپارتمان می‌دانند و برخی معتقدند مساحت این خانه‌ها بین ۲۵ تا ۴۵ متر مربع است. شکل طراحی میکروخانه‌ها در کشورها متفاوت است اما نکته مشترک در این خانه‌ها این است که آشپزخانه، سرویس‌های بهداشتی، پذیرایی و ... در یک سطح مسطح بدون فاصله زیاد از هم قرار می‌گیرد. در اغلب این خانه‌ها به طراحی اتاق کار و اتاق خواب هم توجه شده و با حذف فضاهای غیرضروری و جایگزین کردن وسایل تاشو و کم‌جا به همه نیازهای روزانه یک فرد در خانه پاسخ داده می‌شود. استفاده از مصالح سازگار با محیط زیست مثل چوب، پنجره‌های بزرگ و تمام شیشه‌ای، اتاق‌های دوبلکس و طراحی مدرن و مینیمالی از جمله ویژگی‌های میکرو خانه‌هاست که باعث شده قشرهای مختلف، مشتری این خانه‌ها باشند. مقرون به صرفه بودن از دیگر دلایلی است که مردم دنیا به میکروخانه‌ها روی آورده‌اند. بالا بودن هزینه خرید مسکن به خصوص در پایتخت کشورها باعث شده است تا روز به روز تقاضا برای زندگی در این خانه‌ها افزایش پیدا کند و به تعداد خانه‌های کوچک در این شهرها اضافه شود. «دیوید لاتیمر» بهترین سازنده خانه کوچک در سال ۲۰۲۰ است. او هر سال ۱۲ تا ۱۶ خانه کوچک می‌فروشد و این خانه‌ها را برای یک زوج عالی می‌داند. «لاتیمر» درباره تاثیر زندگی در این خانه‌ها می‌گوید: «این نوع زندگی می‌تواند بسیار صمیمی، راحت و گرم باشد. خانه‌های کوچک قطعا برای همه نیست. زندگی در این خانه‌ها نیاز به فداکاری و تغییر سبک زندگی دارد تا این تجربه‌ها ممکن شود. بیشتر مشتریان من قبل از این که متعهد به زندگی در این خانه‌ها شوند، تحقیقات عمیقی انجام می‌دهند.» دهکده خانه‌های کوچک ایده فراتری است که در انگلیس در حال انجام است. قرار است در این دهکده ۱۲ تا ۱۵ خانه کوچک ساخته شود و در آن محلی برای ذخیره‌سازی محصولات محلی بدون زباله، یک اتاق خشک‌شویی، یک کارگاه برای تعمیر وسایل منزل و یک اتاق غذاخوری اجتماعی در نظر گرفته شود تا این دهکده خودکفا باشد و اهالی آن بتوانند با هم روابط صمیمانه و دوستانه‌تری داشته باشند.

سرشناس‌ها در خانه‌های کوچک

خانه‌های کوچک در دنیا به خانه‌های مینیاتوری، نانوآپارتمان، بند انگشتی و میکرو آپارتمان شهرت دارند. ایلان ماسک ثروتمندترین مرد جهان، مدیرعامل تسلا از شناخته شده‌ترین افرادی است که از زندگی در خانه کوچک استقبال و این موضوع را در دنیا داغ کرد. او هنگام کار کردن روی پروژه اسپیس-ایکس یکی از این خانه‌های کوچک را اجاره کرد و در توئیتی نوشت: «زندگی کردن تو یه خونه کوچیک، دنج‌تر و راحت‌تره». کریس مارچ، بنیان‌گذار یکی از شرکت‌های خانه‌سازی کوچک در انگلیس هم یکی دیگر از افرادی محسوب می‌شود که از زندگی در خانه کوچک راضی است. او سه سال در یکی از خانه‌های طراحی شده خودش که در ساخت آن از چوب کاج و سرو استفاده شده، زندگی کرده است. این خانه دو طبقه، دو اتاق ۱۲ متری دارد و مارچ درباره آن گفته: «این خانه همه چیزهایی را که من و پسرم به آن نیاز داریم دارد.»

کشورهای پیشرو در جنبش خانه‌های کوچک

شاید تصور خانه ۱۰ متری برای ما کابوس باشد اما در برخی کشورها این یک واقعیت محض و معمول است. زندگی در خانه‌های کوچک به خصوص در شهرهای گران‌قیمت دنیا کم کم به یک سبک زندگی تبدیل شده و شهر را به سمت خانه‌سازی‌های این چنینی سوق می‌دهد. نگاهی به این کشورها و آن چه در صنعت خانه‌سازی در حال اتفاق است، انداخته‌ایم.

ژاپن| بیشتر مردم ژاپن به فکر کار و کسب درآمد هستند و از خانه بیشتر برای استراحت و یک محیط امن استفاده می‌کنند. به همین دلیل است که متراژ خانه در ژاپن موضوع مهمی نیست و خانه‌ها متراژ کمی دارند. آن‌ها اگر هم قرار باشد میزبان باشند مهمانی خود را در رستوران و فضاهای مشابه برگزار می‌کنند. در توکیوی ژاپن در سال‌های اخیر زوج‌های جوان به خرید یا اجاره خانه‌های بند انگشتی در مرکز شهر علاقه زیادی نشان داده‌اند.

چین| کمی آن طرف‌تر در همسایگی ژاپن هم اتفاقی مشابه افتاده است. جمعیت بالا و هزینه‌های هنگفت زندگی در پایتخت چین مسئولان را به فکر ساخت خانه‌های بند انگشتی پیش ساخته انداخته است. به این ترتیب چینی‌ها به تازگی به سراغ خانه‌های پیش ساخته و کوچکی رفته‌اند که همه اجزای آن در کمتر از ۲۴ ساعت به هم وصل می‌شوند.

آمریکا| خرید خانه به اندازه کافی برای آمریکایی‌ها جذاب نیست و آن‌ها در سال‌های اخیر کمتر به خرید خانه علاقه نشان داده‌اند. در طول دو دهه گذشته در آمریکا حدود ۱/۸ میلیون خانوار یک یا دو نفره به نیویورک اضافه شده که تعدادشان از یک میلیون آپارتمان‌های بند انگشتی منهتن بیشتر است. به همین دلیل پروژه میکرو آپارتمان‌های ۲۸ متری اجرایی و با استقبال مواجه شد. در آمریکای لاتین و شهرهای سائوپائولوی برزیل و بوگوتای کلمبیا هم وضع مشابهی حاکم است و این دو شهر شاهد بیشترین میزان ساخت و ساز آپارتمان‌های کوچک ۱۰ تا ۱۵ متری است.

آلمان| در آلمان ساخت میکروخانه‌ها از سال‌ها پیش آغاز شده است. آلمان در سال ۲۰۱۱ میلادی در فرانکفورت پروژه میکرو آپارتمان را به منظور استفاده از دانشجویان کلید زد اما بعد از تمام شدن طرح نه تنها دانشجویان که کارمندان و افراد شاغل در این شهر هم از خرید و اجاره این آپارتمان‌ها استقبال کردند.

یک خانه کوچک، هوشمند و استاندارد

ساخت میکروخانه و آپارتمان‌ها گوشه‌ای از تلاش جهان در جنبش خانه‌های کوچک است. این جنبش باعث راه‌اندازی شرکت‌هایی شده که با دریافت هزینه، یک خانه کوچک، هوشمند و استاندارد به مشتری تحویل می‌دهند. تسلا یکی از شرکت‌هایی است که در کنار فعالیت‌هایش در خودروسازی هوشمند به ساخت خانه‌های کوچک هوشمند می‌پردازد. فناوری خانه‌های هوشمند چند گام جلوتر از دیگر خانه‌های کوچک است. خانه هوشمند این امکان را برای کاربر فراهم می‌کند که دور از خانه وسایل و لوازم خانه خود را کنترل و نظارت کند. این فناوری که روز به روز در حال تکامل است می‌تواند به مصرف کنندگان اجازه دهد هزینه‌های انرژی را کاهش دهند. در استرالیا هم شرکت‌هایی کار طراحی میکروخانه‌ها را به عهده می‌گیرند. آن‌ها برای طراحی میکروخانه‌ها از نازک کاری‌های سفارشی، پارتیشن‌های کشویی و مبلمان کم‌جا و قابل جابه‌جایی استفاده می‌کنند تا بهترین بهره از فضای محدود را داشته باشند. این شرکت‌ها از مشتریان خود می‌خواهند تا فهرستی از فضاها و وسایل مورد نیاز خود در خانه را تهیه کنند تا بر اساس آن و متناسب با آن فهرست، فضاهای ذخیره‌سازی مناسبی طراحی شود. در ژاپن طراحی و شکل ساخت خانه‌های کوچک متفاوت است. این خانه‌ها در فضایی به مساحت حدود ۱۰ متر مربع و در چند طبقه ساخته می‌شوند؛ آجرها به قدری باریک هستند که تنها فضای بخش‌های مختلف منزل را از هم جدا می‌کنند و جعبه‌های فلزی متعددی وجود دارند که طوری با هم ادغام شده‌اند تا با چیده شدن در فضایی کوچک و به شکلی پیچیده در عین حال، کم جا و کارآمد، فضای لازم برای قرار دادن وسایل را فراهم کنند. روشی مشابه با ساخت این خانه‌ها در اسکاتلند و آمستردام هلند هم دیده می‌شود. کشورهایی مانند آلمان، سوئد، اتریش، ایرلند و لهستان از سال ۲۰۱۸ میلادی بیشترین حجم سرمایه‌گذاری در بخش ساخت آپارتمان‌های میکرو را داشته‌اند. آلمان یکی از کشورهایی است که پیش بینی شده زندگی مجردی در آن تا سال ۲۰۴۰ میلادی به ۱۹/۳ میلیون نفر برسد که این رقم عجیب و البته نگران کننده است. به همین دلیل از سال ۲۰۱۸ میلادی تا کنون، حجم معاملات آپارتمان‌های کوچک تا ۸۵ درصد به ویژه در شهرهای برلین، هامبورگ و فرانکفورت رشد پیدا کرده و ارزش آن به ۱/۱ میلیارد یورو رسیده است.

۳ خانه کوچک و معروف جهان

در این بخش، با چند خانه کوچک آشنا خواهید شد که به دلیل طراحی خاص و کاربردی‌شان در جهان معروف و شناخته شده‌تر نسبت به بقیه خانه‌ها با متراژ کم هستند.

کجاست؟ کالیفرنیا
چند متر؟ ۱۵/۸ متر

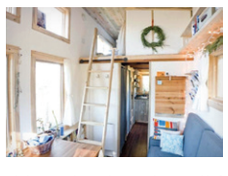

این خانه کوچک و همه چیز تمام متعلق به یک طراح وب در کالیفرنیاست. انتخاب وسایل چندمنظوره و کم‌جا به اضافه سقفی بلند باعث شده تا این خانه حدودا ۱۶ متری برای یک زندگی یک نفره مناسب باشد و فرد در آن احساس خفگی نکند.

کجاست؟ توکیو
چند متر؟ ۱۸ متر

در توکیوی ژاپن دیدن خانه‌های کوچک عجیب نیست. این خانه در توکیو با داشتن سقفی بلند و دیوارهای شیشه‌ای که باعث جذب نور خورشید می‌شود و فضا را هم بزرگ‌تر از اندازه معمول نشان می‌دهد یکی از خانه‌های محبوب توکیوست.

کجاست؟ واشنگتن
چند متر؟ ۹/۶ متر

فکر می‌کنید خانه مناسب یک زوج باید چند متری باشد؟ این خانه حدود ۱۰ متری که یکی از کوچک‌ترین خانه‌های دنیاست متعلق به یک زوج آمریکایی است که برای کاهش هزینه‌های خود مساحت خانه خود را به کمترین میزان ممکن رسانده‌اند.

منابع این پرونده: ایمنا، BBC، مجله منزل، تابناک

پرونده

جوان نابینای هندی در بین مدیران موفق جهانی

آشنایی با «سریکانت بولا»، کارآفرین موفقی که یک فیلم بالیوودی درباره زندگی‌اش در آستانه ساخته شدن است

مهسا کسنوی | روزنامه‌نگار

اگر کمی با سینمای هند آشنا باشید، حتما فیلم‌های بالیوودی را دیده‌اید. در این فیلم‌ها اتفاقات با اغراق خاصی شکل می‌گیرند اما این بار اغراق پا به زندگی واقعی هندی‌ها گذاشته و آن را برایشان شبیه فیلم‌های بالیوودی کرده است. «سریکانت بولا» نام یک کارآفرین ۳۰ ساله هندی است که توانسته مدیر عامل یک شرکت تولیدی به ارزش ۷/۵ میلیون دلار شود. شاید تا این جای داستان برای شما زیاد بالیوودی به نظر نرسد اما باید بگویم سریکانت بولا به صورت مادرزادی نابیناست. موفقیت این جوان نابینای هندی آن قدر برای مردم جالب بوده که کارگردان‌های معروف بالیوودی تصمیم به ساختن فیلمی بر اساس زندگی سریکانت بولا با بازی راج کومار گرفته‌اند. در ادامه به بررسی زندگی سریکانت می‌پردازیم.

خوشبختی به دلیل حمایت‌های خانواده

وقتی سریکانت متولد شد، تعدادی از دوستان خانوادگی و اقوام به پدر و مادر او توصیه کردند که او را چون نابیناست، رها کنند. شاید این ساده‌ترین راه ممکن برای آن‌ها بود؛ چون خانواده ثروتمند و تحصیل کرده‌ای نبودند. سریکانت می‌گوید: «به پدر و مادرم گفته شده بود که من حتی نمی‌توانم نگهبان خانه خودم باشم چون اگر سگ ولگردی داخل خانه می‌شد، نمی‌توانستم او را ببینم. حتی افراد بسیاری پیش پدر و مادرم آمدند و از آن‌ها خواستند که مرا با بالش به قتل برسانند.» اما پدر و مادر سریکانت نه تنها فرزند خود را نکشتند بلکه او را ترک هم نکردند و برای آسایش و تحصیل او از هیچ کاری دریغ نکردند. برای همین است که سریکانت خود را خوشبخت‌ترین مرد زمین می‌داند، آن هم نه به خاطر رسیدن به این موفقیت که کلی در جهان سر و صدا به پا کرده است بلکه به دلیل داشتن خانواده‌ای که همیشه از او حمایت کرده‌اند.

از کیلومترها پیاده‌روی تا رفتن به مدرسه شبانه‌روزی

سریکانت بولای شش ساله، هر روز به مدت دو سال، با راهنمایی برادرش برای رسیدن به مدرسه در منطقه روستایی هند کیلومترها راه می‌رفت. این مسیر جاده‌ای گل‌آلود و پر علف بود که در هنگام باران‌های موسمی زیر آب می‌رفت. او می‌گوید: «هیچ کس با من حرف نمی‌زد چون نابینا بودم». هنگامی که او هشت ساله شد، پدرش به او گفت که یک مدرسه شبانه روزی مخصوص کودکان نابینا سریکانت را قبول کرده است. اما او باید به حیدرآباد، نزدیک‌ترین شهر در فاصله ۴۰۰ کیلومتری، نقل مکان می‌کرد و این باعث می‌شد، سریکانت از پدر و مادرش دور بیفتد ولی سریکانت سختی مسیر را پذیرفت و در مدرسه جدیدش شنا و شطرنج یاد گرفت. او با توپی که صدای زنگوله می‌داد کریکت بازی می‌کرد و معتقد بود تمام این مهارت‌ها به دست و به گوش آدم بستگی دارد.

رویای مهندس شدن

او همیشه آرزو داشت که مهندس شود و می‌دانست که برای این کار باید علوم و ریاضیات بخواند. اما از مدرسه پاسخ منفی شنید. به او گفتند که این کار غیر قانونی است و اجازه تحصیل ندارد. سریکانت اما برای رسیدن به رویایش جنگید تا بالاخره موفق شد به یک مدرسه معمولی برود و ریاضیات بخواند. او تنها دانش‌آموز نابینا در کلاسش بود اما سریکانت می‌گوید: «آن‌ها با آغوش باز به من خوش‌آمد گفتند. من بسیار خوشحال شدم. من اولین کسی شدم که به دنیا ثابت کرد که می‌تواند این کار را انجام دهد و نسل جوان‌تر که نابینا هستند لازم نیست نگران ناکامی باشند.» سپس سریکانت برای ادامه تحصیل در ام‌آی‌تی در کمبریج ماساچوست مستقر شد که در آن جا اولین دانشجوی بین‌المللی نابینا بود. او در سال ۲۰۰۹ وارد دانشگاه شد و اولین روزهایش در آن جا را به عنوان «تجربه‌ای متناقض» توصیف کرد.

بازگشت غرورآمیز به وطن

زندگی برای سریکانت به خوبی پیش می‌رفت. بعد از تحصیل علوم مدیریت در ام‌آی‌تی به او چندین شغل پیشنهاد شد، اما او ترجیح داد که در آمریکا نماند. او حس می‌کرد که در کشور زادگاهش کار ناتمامی دارد. سریکانت با خودش فکر کرد که چرا من شرکت خودم را افتتاح و معلولان را استخدام نکنم؟ او در سال ۲۰۱۲ به کشورش برگشت و شرکت صنایع بولانت را تأسیس کرد. این شرکت بسته‌بندی محصولات سازگار با محیط زیست است و ارزش آن بیش از هفت میلیون دلار برآورد می‌شود. این شرکت تا حد امکان افراد معلول و دارای شرایط خاص سلامت روان را استخدام می‌کند. سال گذشته، در ۳۰ سالگی، سریکانت به فهرست سال ۲۰۲۱ رهبران جوان جهانی مجمع جهانی اقتصاد راه یافت. او امیدوار است که طی سه سال آینده سهام شرکت صنایع بولانت به طور همزمان در چندین بورس بین‌المللی عرضه شود.